

بررسی فقهی حقوقی وظائف حکومت اسلامی در قبال حجاب

مجید خرسندی^۱

علی حسین نژاد^۲

چکیده

حجاب اسلامی یکی از نشانه‌های زنان مسلمان می‌باشد و اهمیت آن به حدی است که یکی از مصادیق معروف و جزء شعائر اسلامی قرار گرفته است. رعایت حجاب از سوی بانوان در برابر نامحرم نه تنها برای خود فرد دارای اثر و فائده است بلکه آثار و فواید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره برای جامعه را به دنبال دارد.

و همچنین از بررسی مبانی فقهی و حقوقی اهداف و اختیارات حکومت اسلامی و ادله عقلی و شرعی معلوم می‌گردد حکومت اسلامی که دین و ارزش‌های اسلامی مبنای نظام آن را تشکیل داده است نسبت به احکام اسلامی نمی‌تواند بی تفاوت باشد و هدایت و راهنمایی مردم به سوی کمال معنوی از وظایف اساسی آن به شمار می‌رود. برخورد با پدیده ناهنجار بدحجابی به دو صورت فرهنگی و حقوقی از اختیارات دولت اسلامی است. در این رساله تلاش شده است تا وظایف دولت اسلامی در دو بخش فرهنگی و حقوقی تبیین شود و در بخش حقوقی با بررسی دلایل‌های گوناگون فقهی اختیار برخورد حقوقی و جزایی با پدیده ناهنجار بدحجابی برای دولت اسلامی به اثبات رسد.

افزون بر آن، دولت اسلامی مانند هر حکومتی می‌تواند متخلفان از قوانین و مقررات را (چه بدان آن امر اعتقاد داشته باشند چه نداشته باشد) مجازات کند. بی‌حجابی و بدحجابی، رفتاری برخلاف شرع و در حال حاضر برخلاف قوانین جمهوری اسلامی است. از این رو، دولت می‌تواند مرتکبان آن را مجازات و بدین وسیله از ارتکاب این گناه و جرم علنی در جامعه جلوگیری کند.

کلیدواژه

حجاب، ستر، بدحجابی، پوشش.

۱. فارغ‌التحصیل فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب.

۲. دانش‌آموخته سطح سه مدرسه علمیه عالی نواب.

مفهوم لغوی حجاب

کلمه «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) واژه عربی است، در لغت دو معنای اصلی برای آن بیان شده است:

۱. حجاب، به مفهوم مانع و حایل میان دو چیز، خواه آن دو چیز از امور مادی و اشیای محسوس باشد و یا از امور معنوی و غیرمحسوس.

در مصباح آمده است: «حجبه حجاب من باب قتل: منعه و منه قیل للستر حجاب لانه یمنع المشاهده وقیل للبواب حاجب لانه یمنع من الدخول»، (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱) حَجَبَ به معنای منع است و از همین رو به پوشش حجاب گفته می شود زیرا پوشش مانع از مشاهده می شود و به دربان، حاجب گفته می شود چون مانع و بازدارنده از ورود دیگران است.

راغب نیز می نویسد: «الحجب والحجاب المنع من الوصول»، (اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۱۹) حجب و حجاب به معنای منع از وصول و رسیدن دو چیز به همدیگر است.

۲. حجاب به معنای ستر و پوشش.

ابن منظور در لسان العرب، حجاب را به معنای ستر دانسته و گفته است: «الحجاب الستر... حجبه: ستره و امرأه محجوبه قد سترت بستر»، (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۹۷) حجاب به معنای ستر و پوشش است؛ «حجبه» یعنی آن را پوشانید، زن محجوب، زنی است که پوشیده باشد.

طریحی می افزاید: «اصل الحجاب الستر الحائل بین الرئی و المرئی»، (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۴) حجاب پوششی است که میان بیننده و آنچه می بیند، حائل می شود.

مفهوم حجاب در اصطلاح فقه

فقها در تعریف حجاب گفته اند: «الحجاب ما تلبسه المرأة من الثیاب لستر العورة عن الأجانب»، (قلعه چی، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۸) حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می پوشد. نتیجه آنکه، حجاب در فقه به معنای پوشش خاص زنان است که همه بدن را به جز صورت و دو دست از نامحرمان بیوشاند که حکم آن در شرع مقدس اسلام «وجوب» است.

فصل اول: تاریخچه حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان

به‌ندرت از اقوام بدوی که زنان آن‌ها دارای پوشش مناسب نبوده و یا به‌صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند.

ما در اینجا تاریخچه پوشش و حجاب برای زنان را در دو دین از ادیان بزرگ الهی بررسی می‌کنیم.

شریعت یهود

در کتاب مقدس یهودیان موارد متعددی یافت می‌شود که به‌طور صریح و یا ضمنی، حجاب و پوشش زن و مسائل مربوط به آن مورد تأکید قرار گرفته است. در برخی از آن‌ها لفظ چادر و برقع که به‌معنای روپوش صورت است به‌کار رفته است که نشانگر کیفیت پوشش زنان آن عصر می‌باشد. اینک به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌گردد.

در اصول اخلاقی «تلمود»^۱ که یکی از کتاب‌های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است برای حضور زن در اجتماع شرایط خاصی ذکر شده که عدم توجه به آن موجب بطلان ازدواج آن‌ها خواهد شد:

«زنانی که در موارد زیر به رفتار و کردار آن‌ها اشاره می‌شود، ازدواجشان باطل است و مبلغ کتوبا (مهریه) به ایشان تعلق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشانیدن سر خود به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار، پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سبک‌سری به گفت‌وگو می‌پردازد. زنی که در حضور شوهر خود به والدین او دشنام می‌دهد و زن بلندصدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره امور زناشویی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید.» (ویل دورانت، ج ۱۲، ص ۳۰)

داستان حضرت موسی (ع) و دختران حضرت شعیب (ع) گواه روشنی بر وجود حجاب در بین زنان یهود است. شعیب به یکی از دخترانش گفت: او (موسی) را پیش من بیاورید، از این رو یکی از آن‌ها پیش موسی برگشت، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «یکی از آن‌ها به رسم زنان با شرم و حیا نزد موسی آمد.» (قصص، ۲۵)

شریعت مسیحیت

آیات انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، دستورات دینی پاپ‌ها و کاردینال‌ها که از طرف کلیسا لازم‌الاجرا شمرده می‌شد، گواهی مورخان و همچنین سیره عملی زنان مسیحی از صدر اول تا اواخر قرن هجده و نوزده نیز دلالت بر وجود حجاب در شریعت مسیحیت می‌کند.

در رساله پطرس رسول، در مورد نحوه پوشش و آرایش زنان مسیحی آمده است: «و شما را زینت

۱. تلمود (Talmud) هم‌ریشه با تلمیذ و به‌معنای تحصیل و مخفف «تلمود تورا» است. تلمود عبارت است از تفاسیر متون تورات که طی قرون اولیه میلادی، توسط دانشمندان طراز اول یهود صورت پذیرفته است و نیز مجموعه فقه مدون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است.

ظاهری نباشد، از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشش لباس، بلکه انسانیت قلبی در لباس غیرفساد، روح حلیم و آرام که نزد خدا گران بهاست، زیرا بدین گونه زنان مقدس در سابق نیز که متوکل به خدا بودند، خویشتن را زینت (باطنی) می کردند». (انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶-۱)

جرجی زیدان، نویسنده و دانشمند مسیحی، می گوید: «اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن است، این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور مسیح معمول بوده است و دیانت مسیح هم تغییر در آن نداده است». (جرجی زیدان، ۱۳۵۲، ص ۹۴۲)

شریعت اسلام

همان طور که در همه ادیان الهی حفظ عفاف و حجاب به عنوان فضیلتی اخلاقی و اجتماعی در پاسخ به ندای طبیعت و فطرت مورد تأکید قرار گرفته، در اسلام هم، که آخرین آیین الهی و بالطبع کامل ترین دین است، عفاف و حجاب و رعایت روابط محرم و نامحرم برای زن و مرد مسلمان از اهمیت خاصی برخوردار است تا جایی که حجاب زن در برابر مردان بیگانه از ضروریات دین شمرده شده است.

در قرآن کریم، آیاتی چند از جمله در سوره نور به طور صریح در مورد وجوب حجاب و حدّ و کیفیت آن نازل شده است.

فلسفه حجاب و فوائد و آثار آن

نگاهی کوتاه به فوائد و آثار رعایت حجاب و پیامدهای بی حجابی و بدحجابی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارای نقش به سزایی است که به جهت اختصار به بعض این ابعاد اشاره می شود.

بعد فردی حجاب

۱- حجاب برگرفته از فطرت انسان

داستان حضرت آدم و حوا که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده، فطری بودن پوشش را اثبات می کند. طبق آیات شریفه قرآن کریم، حضرت آدم و حوا قبل از چشیدن درخت ممنوعه دارای لباس بوده اند اما با خوردن از آن درخت ممنوعه، لباس خود را از دست دادند که بلافاصله به پوشاندن خود اقدام نمودند. این احساس شرم از برهنگی حتی بدون حضور ناظر بیگانه و سرعت در پوشاندن خود به وسیله برگ ها از آن جهت که تحت هیچ آموزش یا فرمانی از جانب خداوند یا فرشته وحی و یا تذکر هر یک به دیگری، صورت گرفته است، بیانگر فطری بودن پوشش در انسان

است و اثبات می‌کند نخستین انسان‌ها به‌طور فطری بدان گرایش داشته‌اند. (محمدی آشنایی، ۱۳۷۳، ص ۱۶ و ۱۸)

برخی از زیست‌شناسان به وجود نوعی احساس حیا و خجلت در جنس ماده اشاره می‌کنند و منشأ حشمت و حجاب زنان را نیز همان احساس حیا می‌دانند.

دکتر فخری، فیزیولوژیست مصری چنین می‌گوید:

«ریشه و مبدأ حشمت، همان احساس حیا و خجلت است، زیرا انسان از آن جهت که از چیزی احساس حیا می‌کند، از ظهور آن نزد دیگر مردمان حشمت می‌ورزد و از همین احساس حیا، حشمت (پوشاندن و حجاب) سرچشمه می‌گیرد». (همان، ص ۲۶، به نقل از: المرأة و فلسفة التناسلیات، فخری، ص ۲۷۸)

۲- حجاب و مصونیت

یکی از فلسفه‌هایی که برای حجاب در قرآن ذکر شده، حفظ بانوان محترم از آزار و اذیت افراد بی‌سر و پای است که در همه جوامع کم‌وبیش وجود دارند. از این نظر حجاب نوعی مصونیت است نه محدودیت و همان‌گونه که گل‌های زیبا و خوش‌رنگ و بو باید در حصار قرار بگیرند تا از دستبرد کودکان بازیگوش در امان بمانند، زنان نیز باید گلبرگ‌های وجود خود را در پوشش‌های مناسب قرار دهند تا از نیش و نوش نگاه نامردان و نامحرمان دور بمانند. حجاب برای زن، دژ است، سنگر است، حریم است، جایگاهی است که زن در آن امنیت و آرامش خود را می‌یابد و جان و وجدان و عفت او محفوظ می‌ماند. حجاب برای زن نقش دفاعی دارد. زن در پشت سنگر حجاب محفوظ می‌ماند. از خطرات و آفات برکنار مانده و موجبی برای رشد و تعالی و زمینه‌ای برای سازندگی او پدید می‌آید.

قرآن کریم در سوره احزاب، فلسفه حجاب را مدنظر قرار داده و می‌فرماید:

«ای پیامبر، به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو که چادرهای (جلباب) خویش را به خود نزدیک کنند و همچون زنان عفیف خود را بپوشانند تا به (عفت و پاک‌دامنی) شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند و خدا آمرزنده و مهربان است».^۱ (احزاب، ۵۹)

حجاب برای حفظ جان زن لازم است. بی‌حجابی گذشته از آنکه عرض و ناموس زن را در معرض تعرض ناگهانی بیگانگان قرار می‌دهد، چه‌بسا موجب خطرات جانی برای آن‌ها هم می‌شود. اغلب زنانی که صرف‌نظر از دخالت انگیزه‌های سیاسی، مورد تجاوز قرار گرفته و در اثر مقاومت برای پوشاندن اثر جرم، کشته شده و یا خودکشی کرده‌اند، معمولاً از کسانی بوده‌اند که مراقب رفتار و

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

حرکات و حالات (حجاب) خود نبوده‌اند. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۸)

درباره اینکه حجاب باعث مصونیت و بی‌حجابی باعث به‌خطرافتادن افراد در جامعه می‌شود اگر استقراء کنیم به موارد متعددی دست خواهیم یافت که عده‌ای به‌دلیل عدم رعایت این مهم به چه عاقبت و گرفتاری‌هایی دچار شده‌اند.

البته بعد خانوادگی حجاب هم دارای آثار مهمی همچون: تحکیم بنیاد خانواده، سلامت نسل آینده، تأثیر مهم در کاهش ازدواج و افزایش طلاق است که به‌دلیل عدم اطلاع بحث از پرداختن به آن صرف‌نظر می‌کنیم.

بُعد اجتماعی سیاسی حجاب

۱- آرامش روانی جامعه

یکی از فلسفه‌های اصلی حجاب ایجاد آرامش روانی و امنیت روحی در جامعه است. حجاب، حریمی میان زنان و مردان نامحرم است. بی‌تردید اگر زنان با حجاب و پوشش مناسب در جامعه حضور یابند خود و خانواده و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود اما اگر زنان در جامعه به‌صورت تحریک‌آمیز حضور یابند از آنجا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث کوفتگی اعصاب آن‌ها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی می‌شود و گاه سرچشمه امراض روانی است. زیرا غریزه جنسی نیرومند و چون اسبی سرکش است که هرچه بیشتر اطاعت شود و افسارش رهاتر گردد، سرکش‌تر می‌شود و یا همچون آتشی است که هرچه به آن بیشتر هیزم بدهند شعله‌ورتر می‌شود.

امنیت و آرامش در ابعاد مختلف زندگی از حقوق مسلم همه شهروندان بوده و هیچ‌کس حق ندارد با بهانه‌های مختلف موجبات سلب آسایش دیگران را فراهم کند. و در نکوهش مردم‌آزاری و ایجاد مزاحمت برای دیگران، همه مکاتب و مذاهب اتفاق نظر دارند اما افراد مادی‌نگر و دنیا‌زده هستند که آسایش و آرامش دو گیتی را فقط در امور مادی می‌دانند درحالی‌که آزارهای روحی و معنوی و توهین به اعتقادات و مقدسات دیگران بسیار زشت‌تر از سایر آزارها است.

این مطلب را با بیان مثالی روشن‌تر کنیم: مثلاً چند نفر داخل یک اتاق یا یک اتومبیل نشسته‌اند و یک نفر سیگاری وارد می‌شود، شروع به سیگار کشیدن می‌کند و فضای آنجا را آلوده می‌کند. آیا دیگران حق ندارند به این شخص که حقوق آن‌ها را زیر پا گذاشته و فضای آنجا را آلوده کرده اعتراض کنند؟ گمان می‌کنم افراطی‌ترین طرفداران دموکراسی و آزادی هم حق را به این فرد مردم‌آزار نمی‌دهند.

همان‌گونه که هیچ فردی حق ندارد مثلاً با سیگار کشیدن فضا و محیط تعدادی از افراد جامعه را آلوده کند و موجب آزار آن‌ها شود همچنین هیچ فردی حق ندارد با پوشیدن لباس‌های نامناسب

و رعایت نکردن حجاب و حریم دیگران از خود تصویری به نمایش بگذارد که صدمات روحی و روانی به جامعه زده و باعث آزار سایرین شود، چون رعایت نکردن شئون اسلامی مانند حجاب به‌ویژه در جوامع دینی مانند جمهوری اسلامی ایران که دین رسمی آن اسلام مبین و مذهب آن تشیع و اصل انقلاب آن بر پایه ارزش‌های اسلامی بنا نهاده شده است، توهین به اعتقادات و ارزش‌های آن‌ها است. انقلاب و نظامی که خون‌های پاکی برای دستیابی و حفظ آن بر روی زمین ریخته شد. جوان‌هایی که برای این آرمان‌ها شهید، مفقودالاثر یا جانباز شدند. فرزندان و زنانی که به‌همین خاطر از داشتن نعمت پدر و همسر محروم شدند.

۲- پیشرفت علمی و شکوفایی فکری جامعه

حجاب برای پیشرفت علمی و ترقی فکری جامعه لازم است. عدم تأمین صحیح و به‌موقع غریزه جنسی در مردان، بزرگ‌ترین مشکل روانی بوده و مانع تفکر و خلاقیت و ابتکار در آن‌ها است، در نتیجه هرچه مناظر شهوت‌انگیز در جامعه بیشتر باشد به همان میزان مشکلات روانی و عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی بیشتر خواهد شد، پس بهتر است بگوییم: عدم رعایت حجاب و پوشش صحیح نه تنها محیط خانه و خانواده را آلوده می‌کند بلکه بر سرنوشت یک کشور و یک مملکت هم تأثیر سوء می‌گذارد.

منتسکیو می‌گوید: «از دست رفتن عفت زنان به‌قدری تأثیرات بد و معایب و نواقص تولید می‌کند و روح مردم را فاسد می‌سازد که اگر کشور دچار آن شود بدبختی زیادی از آن ناشی می‌گردد، به‌همین جهت قانون‌گذاران همواره عفت را به زنان توصیه می‌کنند و از آن‌ها وقار و رعایت موازین اخلاقی توقع دارند». (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۹، به نقل از اعجاز روانکاو، ص ۱۵۲)

۳- حجاب، نماد اساسی فرهنگ اسلامی

از دیگر فلسفه‌ها و فوایدی که برای حجاب می‌توان برشمرد، منعی است که حجاب در مقابل نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و پیشروی استعمارگران دارد و دقیقاً به همین دلیل است که سرمایه‌گذاری وسیعی از سوی جهان‌خواران برای کوبیدن حجاب اسلامی انجام شده است.

راستی این‌همه حساسیت مجامع بین‌المللی و جوامع اروپایی برای چیست؟ و آن‌همه تلاش برای به انزوا کشاندن حکم حجاب اسلامی به چه منظور است؟ ظاهراً دشمنان اسلام یکی از سنگرهای اصلی حفظ فرهنگ اسلامی را تعصب مسلمانان نسبت به سنت‌های دینی به‌خصوص حجاب بانوان می‌دانند. آن‌ها به‌خوبی می‌دانند که تا بانوان را از حصار حجاب بیرون نکشند و به عروسک‌های بی‌اراده و اسیر غرایز خود بدل نسازند، نمی‌توانند از آن‌ها در جهت منافع خود استفاده ابزاری ببرند و نیک می‌دانند که تا زن‌ها را در دست نگیرند امکان موفقیت و نفوذشان در مردان و سایر قسمت‌های جوامع اسلامی بسیار ضعیف است. استعمارگران از این تأثیرگذاری

زن بر جنس مخالف همواره سوءاستفاده‌ها کرده‌اند و با به فساد کشیدن زن، سعی بر فساد مردان داشته‌اند. اولین قدمی را که استعمارگران برای نیل به اهداف خود برداشته‌اند بی‌حجاب کردن زن‌ها بوده است.

مستر همفر، جاسوس کهنه‌کار انگلیسی که معتقد بود باید حجاب از زن مسلمان گرفته شود می‌گوید:

«پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا فساد در میان مسلمانان رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه لازم است اول زنان غیرمسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند». (اکبری، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷)

ادله مسئولیت و اختیارات حکومت اسلامی در جلوگیری از بی‌حجابی

پیرامون موضوع حجاب و پوشش زنان، مسائل مختلفی طرح می‌شود. از این میان، چگونگی مواجهه حکومت با موضوع حجاب، مسئله مهم و بحث‌برانگیزی است. آیا حکومت می‌تواند زنان را ملزم به رعایت حجاب نماید؟ آیا توجیهی از سوی حکومت برای الزام مردم به حفظ پوشش متصور است؟ یا آنکه چنین الزام حکومتی اساساً مردود است و هیچ عنوان و دلیلی که حکومت با تکیه بر آن بتواند مردم را به رعایت حجاب الزام کند، وجود ندارد؟

تعلق گرفتن الزام و اجبار به مسئله حجاب امری ممکن است و با عقل و شرع مخالفت ندارد و حالا درصدد آن هستیم که با دلایل عقلی و شرعی ثابت کنیم که آیا حکومت اسلامی می‌تواند با خانم‌های بی‌حجاب و بدحجاب در جامعه برخورد و آن‌ها را ملزم به حجاب کند؟ در اینجا به دو دسته ادله اشاره می‌کنیم، دسته اول ادله‌ای است که بر اساس استنتاج از مبانی، اهداف و اختیارات حکومت اسلامی است، و دسته دوم نیز از دو نوع ادله تشکیل شده، برخی مستندات دینی است که به شکل بحث‌های اجتهادی و فقهاتی می‌باشد و بعضی مستندات اجتماعی است که به شکل تحلیل‌های اجتماعی است که مختصراً به بعض آن‌ها اشاره خواهیم کرد. اما ابتدا ادله دسته اول را بیان می‌کنیم.

ادله دسته اول

دلیل اول: رابطه امر به معروف و نهی از منکر با حجاب. حکومت اسلامی بایستی در همه زمینه‌ها تلاش نماید تا به سمت عمل به احکام اسلام و داشتن جامعه اسلامی پیش برود، بی‌شک یکی از مصداق‌های بارز جامعه اسلامی خالی بودن از مظاهر فساد و فحشا است. در این میان وظیفه حکومت اسلامی و دولت در این جهت بسیار خطیر است. بنابراین دولت مصداق بارز و شاخص در بحث امر به معروف و نهی از منکر است.

پوشش و حجاب، پاکدامنی و عفت عمومی به‌ویژه در نظام دینی از هنجارها و رفتارهایی است که به‌روشنی معروف را بازتاب می‌دهد و بدون تردید، عفت و پاکدامنی عمومی و صورت خاص آن؛ یعنی حجاب زنان از مصداق‌های معروف و در شمار عملیات سالم‌سازی جامعه دینی است. در مقابل، بی‌حجابی، بی‌عفتی و ناپاکی در جامعه دینی، بازتاب منکر است.

ازجمله وظایف حکومت اسلامی این است که از هرگونه رفتار و هنجاری که به سلامت جنسی و جسمی، پاکدامنی عمومی و بهزیستی همگانی می‌انجامد، حمایت کند و زمینه‌های لازم را برای گسترش آن‌ها فراهم آورد. در مقابل، از رفتارهایی که به اخلاق و عفت عمومی آسیب می‌رساند، جلوگیری کند. بی‌حجابی یا بدحجابی به‌ویژه از سوی بانوان هرگاه به‌مثابه هنجارها و رفتارهای آشکار اجتماعی درآید، به اخلاق و عفت عمومی آسیب می‌رساند و امنیت روانی جامعه را به‌خطر می‌اندازد و هنجارهای بازدارنده و منفی در نظام دینی به‌شمار می‌آید. دولت مسئولیت و اختیار دارد تا از عمومی‌شدن چنین رفتارهایی بازداري کند؛ چون در برابر سلامت و عفت عمومی مسئول است.

به‌عبارت دیگر حجاب به‌عنوان فریضه و معروف شرعی قطعاً امر به معروف است. امر به معروف و نهی از منکر نیز جزء وظایف عام حکومت اسلامی است. پس حکومت می‌تواند زنان مسلمان را امر به حجاب اسلامی، به‌عنوان معروف شرعی و نهی از بدحجابی و بی‌حجابی، به‌عنوان منکر نماید. بنابراین یکی از وظایف دولت اسلامی سالم‌سازی جامعه از ناهنجاری‌های اجتماعی و مبارزه با مظاهر علنی گناه که از مصادیق آن بی‌حجابی و بدحجابی است، می‌باشد، در غیر این صورت آن جامعه به طرف بی‌دینی و نابودی سوق پیدا می‌کند، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

«و اگر خدا شر بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مسجدهایی که در آن یاد خدا بسیار می‌رود، همه ویران می‌شود و هر که خدا را یاری کند، خدا او را یاری می‌کند».^۱ (حج، ۴۰)

بر همین اساس است که وظایف دولت در مبارزه با بدحجابی و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در قانون هم تصریح شده است. چنان‌که در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ و همچنین در قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مصوب ۱۳ دی‌ماه ۱۳۸۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، وظایف دولت و دستگاه‌های دولتی در مورد این مهم آمده است. دلیل دوم: رابطه حفظ شعائر و حجاب.

برخی از مظاهر دین مانند حجاب بانوان امروزه یکی از شعائر مسلمانان در سراسر جهان و علامت

۱. «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ صَوَامِعُ وَبِعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ».

مسلمانی، به‌شمار می‌آید و به همین دلیل در برخی از کشورها نسبت به آن حساسیت، وجود داشته و مسئله روز آن‌ها است؛ تا آنجا که در این کشورها مانعی برای مردم مسلمان از برقراری نماز جماعت در مساجد نیست، ولی ورود زنان محجبه به مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز دولتی ممنوع است، زیرا حجاب به‌عنوان یکی از شعائر دین است به حساب می‌آید. پس حکومت با این ملاک نیز می‌تواند در برابر موانع این شعائر مقاومت نموده و از بی‌حجابی جلوگیری نماید. (ساقی، طلعت، بی‌تا، جایگاه فقهی حقوقی جرم اهانت به مقدسات اسلام، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۴۲)

بنابراین می‌توان طبق مقدمات زیر نتیجه‌گیری کرد:

- اصل حجاب یکی از مسلمات دین است، این امری قطعی است.
- این اصل، یکی از شعائر دین و نشانه‌های جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود.
- حفظ شعائر و جلوگیری از اهانت به مقدسات یکی از واجبات شرعی است و در زمان برپایی حکومت اسلامی به‌عهده حکومت اسلامی است.
- پس جلوگیری از بی‌حجابی و بدحجابی بر عهده حکومت اسلامی است.
- یکی از ارگان‌های دولتی که در جمهوری اسلامی وظیفه مقابله و برخورد با قانون‌شکنان و کسانی که نسبت به شعائر دینی دهن کجی می‌کنند دارد نیروی پلیس است. و پلیس با توجه به وظایف محوله به ایشان باید با این افراد برخورد کند.

ادله دسته دوم

دلیل اول: سیره معصومین (ع).

در میان متون روایی و تاریخی پاره‌ای موارد را می‌یابیم که نشان می‌دهد پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) از موضع حکومت درباره چگونگی حضور زنان یا مردان در اجتماع موضع‌گیری و دخالت کرده‌اند. و این امر اختصاص به آن دو بزرگوار نیز نداشته است. چند نمونه را بازگو می‌کنیم:

- ۱- پیامبر گرامی اسلام هنگامی که عمروبن حزم را به‌عنوان والی نجران در یمن منصوب کرد، شرح وظایفی برای او نگاشت. پیامبر در بخشی از این آیین‌نامه کاری، او را مسئول پاک‌دامنی و حجاب مردم می‌داند و از او می‌خواهد به اقدامات عملی در این زمینه همت گمارد:
- «و مردم را از اینکه لباس کوچکی بپوشند که عورتشان آشکار شود، بازدارد و از اینکه کسی موهایش را پشت سرش انباشته کند، نهی کند.»^۱ (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۲۷،

۱. «وبنهی الناس ان یحتسب احد فی ثوب واحد یفضی بفرجه الی السماء و ینهی ان یعص احد شعر رأسه فی قفاه».

۱۴۱۹ق؛ ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۴۱)

این فرمایش که در واقع، وظایف دولت را نیز بازگو می‌کند، با صراحت، گسترش حجاب و عفاف را از کارویژه‌های دولت می‌داند.

۲- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

«ای عراقیان! باخبر شده‌ام که زنانتان در راه، با مردان برخورد می‌کنند؛ آیا شرم نمی‌کنید!»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۳۲ و ۲۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۷)

۳- حضرت در روایت دیگر می‌فرماید:

«آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آیید، که زنانتان راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با افراد بی‌دین برخورد می‌کنند!»^۲ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۶؛ کلینی، ج ۵، ص ۵۳۵)

سیاق خطاب حضرت نشان می‌دهد که از جایگاه حکومت، چنین سرزنشی را متوجه سهل‌انگاری عراقیان کرده است و نه امر به معروف و نهی از منکر شخصی. خطاب کلی به عراقیان و گزارش دادن به حضرت گویای این نکته است.

دلیل دوم: قیاس اولویت احکام الزامی از احکام غیرالزامی.

در شریعت، برخی احکام غیرالزامی وجود دارد که اگر مردم آن‌ها را اجرا نکنند، دولت مشروع اسلامی می‌تواند مردم را به اجرای آن‌ها الزام کند، بلکه بر اساس برخی روایات، دولت اسلامی می‌تواند برای تحقق برخی از احکام غیرالزامی، با مردمی که بدان عمل نمی‌کنند، وارد جنگ شود. احکام استحبایی نظیر زیارت پیامبر گرامی اسلام،^۳ (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۲۳۳) اذان، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۲۸) نماز جماعت، (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۸، ص ۸؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۴۳) زیارات امامان معصوم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۶، ص ۳۶؛ عاملی، شهید اول، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۰) و نماز عید (بنابر این قول که مستحب است) (حلی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۰۹؛ حلی، علامه، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۲۲) و احکام مکروه نظیر قصه‌گویی در مسجد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۴۹). بنابراین، هنگامی که دولت اسلامی حق دارد بر حکم غیرالزامی (مستحب، مکروه و مباح) تعزیر کند، به طریق اولویت باید گفت: دولت اسلامی حق دارد بر حکم واجب مثل حجاب الزام کند. (ضیائی‌فر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۲۱)

دلیل سوم: قیاس اولویت احکام توصلی از احکام تعبدی.

۱. «یا اهل العراق! نبئت انّ نسائکم یدافعن الرجال فی الطريق اما تستحیون».

۲. «اما تستحیون و لا تغارون، نسائکم یخرجن الی الاسواق و یزاحمن العلوج».

۳. برای نمونه در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است: «لو ترکوا زیارة النبی (ص) لکان علی الوالی ان ینجبرهم علی المقام عنده، فان لم یکن لهم اموال انفق علیهم من بیت المال المسلمین».

در برخی از احکام، قصد قربت، شرط است. بدین معنا که انجام آن‌ها در صورتی صحیح است که به قصد تقرب به خداوند اتیان شود که به آن‌ها تعبدی می‌گویند، نظیر حج، و در مقابل، قصد قربت، شرط صحت برخی از اعمال نیست که به آن‌ها توصلی می‌گویند، نظیر حجاب.

در روایات معتبر آمده است که اگر مردم به حج نروند بر دولت اسلامی واجب است که مردم را بر حج رفتن الزام کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۷۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۲۳ و ۲۴) همچنین در روایات معتبر آمده است که پیامبر برای کسانی که در نماز جماعت حاضر نمی‌شدند، کیفر تعیین کرد و بدین صورت بر انجام واجب تعبدی الزام کرد. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۶ و ۷۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۹۵ و ج ۸، ص ۲۹۲ و ۲۹۳) هنگامی که دولت مشروع اسلامی حق دارد مردم را بر انجام واجبی تعبدی، نظیر حج، نماز و... الزام کند، به طریق اولی حق خواهد داشت بر انجام واجب توصلی نظیر حجاب الزام کند. (ضیائی‌فر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۲۱) دلیل چهارم: قیاس اولویت احکام اجتماعی از وظایف شخصی.

در شریعت، بعضی از وظایف وجود دارد که اگر مردم نسبت به آن‌ها کوتاهی کنند و مسئولیت خود را نسبت به آن‌ها به خوبی انجام ندهند، بر دولت اسلامی لازم است که مردم را بر انجام مسئولیتشان الزام کند، نظیر وظیفه رسیدگی مالک چارپایان نسبت به آب و غذای آن‌ها، (حلی، ۱۴۱۸، محقق، ص ۱۹۶) وظیفه رسیدگی مالک ساختمان نسبت به حفظ و مرمت آن، (اصفهانی، فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۶۱۳؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۴۸۶) وظیفه رسیدگی کشاورز به باغ و مزرعه (حلی، علامه، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۴۶) و وظیفه خویشاوندان نسبت به کودک پیدا شده. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۳۳ و ۲۳۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۳) اگر دولت اسلامی حق دارد که مالکان یادشده را به انجام وظایف خصوصی و شخصی‌شان الزام کند، به طریق اولی حق خواهد داشت نسبت به احکامی که پیامد اجتماعی بیشتری دارند، مانند حجاب الزام کند. (ضیائی‌فر، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۲۱)

نتیجه

برآیند پویش در این جستار این شد که حکومت اسلامی در کنار دیگر وظایف و اختیارات مهم خود، مسئولیت و رسالت اساسی در جهت گسترش و زایش شرایط و زمینه‌های سالم برای هنجار عفاف و حجاب و جلوگیری از پدیده و معضل بی‌حجابی و بدحجابی در رویه‌ها و لایه‌های اجتماعی دارد. و به‌روشنی پیداست که لزوم حفظ حجاب در عرصه عمومی در حوزه اختیارات و مسئولیت نظام اسلامی قرار دارد و هیچ تردیدی در آن نیست.

بنابراین حکومت اسلامی در زمینه مبارزه با پدیده بی‌حجابی و بدحجابی نقش اساسی دارد و باید با به‌کارگیری تمام قوا و استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در این رابطه گام‌های جدی بردارد و با افراد بی‌حجاب و بدحجاب که با پوشش نامناسب خود فضای سالم جامعه را آلوده می‌کنند برخورد کند و از طرف دیگر با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق و کارشناسی‌شده در ترویج و گسترش حجاب و عفاف در جامعه تلاش نماید.

به‌عبارت دیگر برای گسترش حجاب در سطح جامعه هم استفاده از نیروی قهری مثل نیروی انتظامی و قوه قضائیه لازم است و هم انجام فعالیت‌های آموزشی، تبلیغی و فرهنگی، چراکه این دو نوع حرکت در کنار هم مانند دو بال هستند که می‌توانند کشور را از معضل بی‌حجابی و بدحجابی رهایی ببخشند.

منابع

۱. قرآن.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، سيره ابن هشام (السيرة النبوية)، مصحح مصطفى سقا و ابراهيم آبيارى و عبدالحفيظ شبلى، قاهره: مطبوعه مصطفى البابى الحلبى و اولاده، ۱۳۵۵ق.
۴. احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول (ص)، چاپ اول، قم: دار الحديث، ۱۴۱۹ق.
۵. اصفهاني، حسين بن محمد راعب، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، سوريه: دار العلم - الدار الشاميه، ۱۴۱۲ق.
۶. اصفهاني، فاضل هندی، محمد بن حسن، مصحح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامي، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، چاپ اول، قم - ايران: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۶ق.
۷. اكبرى، محمدرضا، تحليل نو و عملى از حجاب در عصر حاضر، چاپ اول، تهران: انتشارات شهيد حسين فهميده، ۱۳۷۶.
۸. انجيل، كتاب مقدس، عهد جديد فارسي، مطبع خواجه دروغلن: لندن، ۱۲۹۹ق.
۹. بروجردى، آقاحسين، منابع فقه شيعه (ترجمه جامع أحاديث الشيعة)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ق.
۱۰. جرجى زيدان، تاريخ تمدن اسلامي، ترجمه على جواهرالكلام، تهران: اميركبير، ۱۳۵۲.
۱۱. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۲. حلى (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، تذكرة الفقهاء ط - القديمة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، بى تا.
۱۳. حلى (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، مصحح: ابراهيم بهادري، تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
۱۴. حلى (محقق)، نجم الدين جعفر بن حسن، المختصر النافع فى فقه الإمامية، چاپ ششم، قم: مؤسسه المطبوعات الدينية، ۱۴۱۸ق.
۱۵. خمينى، روح الله، تحرير الوسيله، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى (ره)، ۱۳۷۹.
۱۶. سعيدى، رضا، فلسفه حجاب (بررسى آثار و فوائد حجاب اسلامي)، تهران: انتشارات رهروان نور، ۱۳۸۰.
۱۷. حسيني سيستانى، سيدعلى، منهاج الصالحين، چاپ پنجم، قم: دفتر حضرت آيت الله سيستانى، ۱۴۱۷ق.

۱۸. ضیائی فر، سعید، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.
۱۹. طرحی، فخرالدین، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۱. عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی، مصحح: سیدعبدالهادی حکیم، القواعد و الفوائد، چاپ اول، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.
۲۲. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، شارح: سلطان العلماء، حسن بن محمد، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ اول، قم: منشورات دار الرضی، بی تا.
۲۴. قلعه چی، محمد رواس، حامد صادق قنیزی، بیروت: معجم لغة الفقهاء، دار النفائس، ۱۴۰۸ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: چاپ دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۷. محمدی آشنایی، علی، حجاب در ادیان الهی، چاپ اول، قم: اشراق، ۱۳۷۳.
۲۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، چاپ سوم، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۹. هاشمی رکوندی، سیدمجتبی، مقدمه ای بر روان شناسی زن (با نگرشی علمی و اسلامی)، چاپ اول، تهران: انتشارات شفق، ۱۳۷۰.